

# شهیدان

شهیدان ، شهیدان ، شهیدان ما  
که از خونتان زنده آرمان ما  
به میدان تیر شعله ور نامتان  
چراغ شب رنج و زندانمان

درود! بر تو ای جاودان درود  
که با خون خود خوانده ای این سرود  
« به فردای ما،  
زپیکارما،  
نماند به جا از ستم ها نشان  
به پایان رسد رنج زحمتکشان »

شهیدان ، شهیدان ، شهیدان ما  
که با یادتان زنده آرمان ما  
شد از خونتان پرچمی سرخگون  
بر آن نقشی از پتک و سندان ما

درود! بر تو ای جاودان درود  
که با خون خود خوانده ای این سرود  
« به فردای ما،  
زپیکارما،  
نماند به جا از ستم ها نشان  
به پایان رسد رنج زحمتکشان »

# یاد یاران

گشته بر پا کنون پرچم ما  
یاد یاران کنیم زنده در جان  
یکصف و یکصدا برزگر با  
بذر سرخش بپاشد به هر جا  
درد از پتک کارگر نشان  
توده ها را دهیم سازمان  
کارگر تکیه بر بازوان  
حمله ور بر صف دشمنان

از شهیدان، گشته میدان  
زنده گردد، یاد یاران،  
نغمه در نغمه از خونشان  
رنگ دیگر شود این جهان

ارتش کار، رزم و پیکار می کند بهر آزادیش  
می گشاید، راه خود را سوی فردای پر شادیش

مشت ما متحد گشته با هم  
تا بد اکنون نام یاران  
خلق ایران شود از ستمها  
بشکفد، گل دهد نغمه ما  
بازوان حلقه در بازوان  
غرق اختر شده آسمان  
رنج و زحمت به هر جا رها  
در گلوهای خونین مان

تیر دشمن می درد تن،  
بند و زندان، تیر و میدان،  
می کشد گرد ما او حصار  
باشد این رسم سرمایه دار

مشت یاران دشمنان را پوزه در خاک و خون می کشد  
هرکه طوفان را به زندان درکشد عاقبت این سزاست  
(تکرار شود)

# عليه سازش

- بخود پیچد از وحشت انقلاب ( ۲ ) چو بیند بهرجا تب انقلاب ( ۲ )  
بکوشد هراسان و زوزه کشان ( ۲ ) که پنهان کند آتش انقلاب ( ۲ )

عزم ما، نظم ما ، سلاح رزم ما  
پرجم سرخ ما، شده کنون بپا  
بپا ! بپا ! بپا !»

- دهانش بگوید صف کارگر ( ۲ ) که بازو به بازوست با برزگر ( ۲ )  
بروبد هرآنکس که سازش کند ( ۲ ) فروریزد این نظم بیدادگر ( ۲ )

عزم ما، نظم ما ، سلاح رزم ما  
پرجم سرخ ما، شده کنون بپا  
بپا ! بپا ! بپا !»

- تو ای کارگر پتکت از خشم و کین ( ۲ ) بزن بر سر این صف خائنین ( ۲ )  
تن دشمنان را به مشنت بکوب ( ۲ ) فروزان کن آتش ز نظم نوین ( ۲ )

عزم ما، نظم ما ، سلاح رزم ما  
پرجم سرخ ما، شده کنون بپا  
بپا ! بپا ! بپا !»

- به پیش آید این خلق از جان گذر ( ۲ ) چو بیند تو باشی بر او راهبر ( ۲ )  
ز گل مشنت خود پرچم اتحاد ( ۲ ) فروزد علیه ستم برزگر ( ۲ )

عزم ما، نظم ما ، سلاح رزم ما  
پرجم سرخ ما، شده کنون بپا  
بپا ! بپا ! بپا !»

# یک صف شویم

یک صف شویم، یک صدا، با هم چنان  
دشمن بلرزد ز نظم سرخمان  
از مرگ و از رنج و سختی راهمان  
هرگز نبوده وحشت و باکمان

در زیر بار کار، خم شده کمرها  
زنجیر رنج و محنت رها کنیم  
اینک به هر جا ز فریاد خود، ما  
آواز سرخ کارگر پراکنیم

جز تکه نانی بدستان کارگر  
چیزی نماند ز زحمتش ولی  
سرمایه داران بدوشش کشند اگر  
در راه بهره باشد مشکلی

در اوج رنج و کار ، همواره یک شعار  
گل کرده و شکفته در دهانمان  
تنها به قهر تفنگ می توان شکست  
این نظم کهنه پوسیده در جهان

## پیشمرگه (سرود پارتیزان)

نه بدستش نان ، نه بتن جان

در دل برف و بوران

به ندای خلقتش اما،

شده برپا پیشمرگه (۲)

تا که سنگرِ دشمنِ خلقتش

همه جا کند او ویران

زده شعله در کوهستان

به تفنگش پیشمرگه (۲)

پرچم داس و چکشش را

کرده بر پا در همه جا

تا که لشکر دشمن را

پاشد از هم پیشمرگه (۲)

نعره اش توفد ز گلو تا

بشکوفد نظم دگر

آتش سرخ سوسیالیسم

برفروزد پیشمرگه (۲)

# فراخوان

کاخ سرمایه دار کن واژگون  
بازو در بازو زن گره به هم  
روشن شود آسمان و زمین

بر خیز کن بپا پرچم زخون  
بر خروش در ره پرپیچ و خم  
شو بپا تا که با رزم آخرین

از پی فتح و آزادی جهان  
تا که گردیم ز بند ستم رها  
روشن شود آسمان و زمین

برخیز با صف کارگر روان  
در ره سرخ او جان نما فدا  
شو بپا تا که با رزم آخرین

(تکرار از اول)

تو بپا ، تو بپا ، تو بپا شو در هر جا

نظم سرمایه دار بر هم بزن

از خشم خود آتش بزن

هرکجا بر سر بام و در بزن (۲)

پرچم داس و پتک کارگر

تو بپا ، تو بپا ، تو بپا شو در هر جا

بخروش و بجوش ، بفروزان آتش ها

تا فرو ریزی و پاشی اش ز هم

کن بپا شعله بر ارتش ستم

می زند ریشه ی عهد رنج و غم

مشت زحمتکشانشان در کنار هم

پتک کارگر ، داس برزگر ،

نو کند در جهان نظم دگر

بر شود از کران صبح سحر

# پرچم سرخ

شعله ور رنگ خون  
می کنیم بر پا،  
پرچم سرخ را، پرچم سرخ را

ای رفیقان به پیش!  
همراه خلق ها،  
کوبیم ستم ها  
در این دنیا!

«پرچم سرخ ما پیروز است» (۳)  
روز آغاز پیکار ما امروز است

شکفته این زمان سرود یاران  
در دل شهرها، در همه روستا

پرچم سرخ خود  
محکم در مشت ها  
در راه سوسیالیسم  
رو به میدان!

«پرچم سرخ ما پیروز است» (۳)  
روز رهائی از ستم ها امروز است

زنجیر بندگی دور افکن از پا  
رگبار کین را بر دشمن باران!

رنج دهقانان  
تو بده پایان  
پرچم سرخ را  
اینجا نشان!

«پرچم سرخ ما پیروز است» (۳)  
روز پایان رنج و غمها امروز است

# خروش پا در زنجیران

می گرد ، ارتش طوفانزاس ستم ، تا شوری اندازد به جهان  
ماه مه ، پرچم سرخس در اهتزاز چون مشعل سوزد به شبان  
می آید ، لشکر پابرهنه ، گور ستم ها تا کند او هر جا  
بنگر جبهه شان از داس و پتکها سنگرشان بر پا ( ۲ )

در هر سینه بجوشد کینه خروشد پا در زنجیران ( ۲ )

آتش سینه شان ، شعله کینه شان      آتش سینه شان ، شعله کینه شان  
آتش سینه شان ، شعله کینه شان

مشعل سوزان در پیکار

( ۲ ) « پیروزند آنان ، خورشیدند تابان »  
هم زنجیران در هم کوب ستم تا نو بشود دنیا  
« بنگر جبهه شان از داس و پتکها سنگرشان بر پا » ( ۲ )

می گرد ، ارتش طوفانزا ز ستم تا شوری اندازد به جهان  
ماه مه ، پرچم سرخس در اهتزاز چون مشعل سوزد به شبان  
می آید ، لشکر پابرهنه ، گور ستم ها تا کند او هر جا  
بنگر جبهه شان از داس و پتکها سنگرشان بر پا ( ۲ )

( ۲ ) « در رگشان همه می جوشد شفقی ز سپیده دم فردا »  
دوشادوشند ، می آشوبند ( ۳ )

نظم سپاه استعمار

( ۲ ) « بند و بندگی ، رنج زندگی »  
رخت بر بندد با پیکار سپاه زحمت در هر جا  
( ۲ ) « بنگر جبهه شان از داس و پتکها سنگرشان بر پا »

می گرد ، ارتش طوفانزا ز ستم تا شوری اندازد به جهان  
ماه مه ، پرچم سرخس در اهتزاز چون مشعل سوزد به شبان  
می آید ، لشکر پابرهنه ، گور ستم ها تا کند او هر جا  
بنگر جبهه شان از داس و پتکها سنگرشان بر پا ( ۲ )



# علیه سرمایه داران

بر پا کنید ای ستم دیدگان      خورشید فتح فردایتان را  
با رزم و پیکار خود بی امان      ویران کنید کاخ ظالمان را

سوزانید هر کجا، جهان کهنه را، در راه سرخ سوسیالیسم  
با عزم آهنین، پاشید بر زمین، بذر انترناسیونالیسم  
متحد همزبان، کوبید با پتکتان، بر ستونهای استعمار  
آویزید لاشه ها، از ستم پیشگان، هر جا بر چوبه های دار

جز لاشه های ستم پیشگان      برجا نگذارید نشان از آنها  
با تکیه بر عزم پولادتان      جارو کنید سرمایه داران را

زیر ضرب پوتین، کوبیدش بر زمین، له کنید این پوسیده را  
با پتک آهنین، با پرچم لنین، پاشیدش این گندیده را  
خورشید فتح تان، روید از مشتتتان، روشن سازد شهر و روستا  
پر کند این سرود، بر کارگر درود، بشکفد شادی ی فردا

کارگر با صف مستقل      جاری کند در پی خود سیل  
زحمتکشانش همرهش بی شمار      زین رهبری فتح شان پایدار

طوفان سرخشان، در هر جای جهان، ویران سازد این کهنه را  
روشن گردد زمین، زندگی نوین، می گردد آغاز از اینجا  
سرود سوسیالیسم، مرگ امپریالیسم، برخیزد از کارخانه ها  
پیچد در هر کجا، نغمه ی فتح ما، روید بر لب ترانه ها.

# بسوی حزب

«صف به صف ، بازو به بازو ، با همدگر  
در ره پر پیچ و تاب انقلاب  
می کنیم بر پا حزب کارگر» ( ۲ )  
یاور و همراه ما برزگر

کارگر ، دهقان ، رنجبر متحد !  
رو به میدان ، می رسد روز دگر  
رو به میدان ، می رسد روز دگر

صف به صف ، بازو به بازو ، با همدگر  
تا که ایران را با نظم تازه ای نو کنیم  
می کنیم بر پا حزب کارگر ( ۲ )  
نزدیک گردد صبح سحر  
نزدیک گردد صبح سحر

پتک ما ، داس ما ، بازوی ما  
شادی ما ، آزادی ما ، آواز ما  
لرزه اندازد بر تن بیدادگر  
می شکفد ، می گشاید بال و پر  
می شکفد ، می گشاید بال و پر

# مشت دلاوران

مانده استوار سوی آسمان  
فریادهای سخت و بی امان

مشت آهنکوب دلاوران  
روئیده از حلقومشان چنان

به سر رسیده عهد ظالمان  
می درد شب، روشن شود جهان

سرودشان را شنیده دهقان  
به پتک پولاد، به داس فریاد

می درخشد در پهنهء جهان  
می نشانند در عرصه زمان

در دل شب همچون ستارگان  
با رزم و کار بی امانشان

لرزه افتد بر کاخ دشمنان  
ویران گردد کاخ ستمگران

نهالشان را، «فردای ایران»  
به خون کارگر، به رنج دهقان

(تکرار شود)

# بیاد قیام

یاد رزم توده ها برجاست      رزم توده ها برجاست ( ۲ )

پرچم پیکارشان ، پیکارشان بر پاست      رزم توده ها بر جاست  
سینه هایشان جایگاه سرخ طوفان هاست ( ۲ )

توده ها چون سیل جوشیدند      با قیام خود خروشیدند  
جامه های رزم پوشیدند

توده ها چون سیل جوشیدند      با قیام خود خروشیدند  
جامه های رزم پوشیدند  
تا بر اندازند سست بنیان ستمکاران ( ۲ )

در میان کارخانه ، پتک می چرخید ،  
بر سر زنجیر می کوبیدند  
در میان کشتزاران ، خشم می بارید  
تا بپا سازند نظمی نو ، نظمی نو  
در ایران، در ایران، در ایران ( ۲ )

لیک سرداران سرمایه      میوه چین رزم ما گشتند  
در ره سر کوب رزم توده کوشیدند  
لیک سرداران سرمایه      میوه چین رزم ما گشتند  
در ره سر کوب رزم توده کوشیدند

بشنوید ! بشنوید !

این بانگ خشم آگین صدای انقلاب نا تمام ماست

صدای انقلاب ناتمام ماست

خروشش باز پابرجاست

پرچم پیروزیش برپاست.